

زیخرا

دوفصلنامه علمی پژوهشی فلسفه اسلامی
سال یازدهم / شماره اول / پیاپی ۲۰ / بهار - تابستان ۱۴۰۴

سر مقاله

ذهن آدمی سه‌گونه می‌اندیشد: ۱. گاه بر موضوعی خاص متمرکز است و به هیچ چیز دیگری توجه ندارد؛ مانند حل یک مسئله پیچیده ریاضی. ۲. گاهی در پی حل موضوع خاصی است، اما افکار دیگری مزاحم تمرکز او هستند، از این‌رو، برای لحظاتی در آن‌ها غوطه‌ور شده، اما دوباره به موضوع مورد علاقه‌اش باز می‌گردد. ۳. گاهی نیز کاملاً در افکار گوناگون شناور است و هیچ موضوع خاصی را مد نظر ندارد.

اکنون به حالت سوم توجه کنید؛ در این حال، آدمی تسلیم درون خویش است و ضمیر ناخودآگاهش، افکار متفاوت و گوناگونی را به تصویر می‌کشد. ذهنش چون گنجشکی چالاک، به هر سو می‌جهد و از شاخه‌های درخت وجودش بالا می‌رود. تصاویر گوناگون با سرعتی سرسام‌آور، از پیش چشمش می‌گذرند؛ تصاویری که به ظاهر کوچک‌ترین ارتباطی با هم ندارند، اما این نمایش برق‌آسا و این تصاویر نامرتبط، انعکاس آشفته‌گی درون او هستند. در واقع، آنچه از نظر می‌گذرد، نمایشی است که ناخودآگاه انسان، کارگردان آن و خودآگاه انسان، بیننده اوست.

اکنون اگر این حالت برای انسانی کامل و معصوم رخ دهد، آنگاه از هرگونه ناخالصی برکنار بوده و تصاویری که از درونش می‌جوشد، یک‌دست، منظم و منسجم است. تصاویری زیبا و دل‌نشین که نمایش کمالات و سجایای اخلاقی اوست. اهل معرفت بر این باورند که بهشت، باطن افعال نیکوست و انسان پس از مرگ، بر سفره اعمال، علوم و نیت خویش می‌نشیند؛ «لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رُزِقُوا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ» (بقره/۲۵).

اکنون، چنین خلسه‌ای را برای خداوند تصور کن؛ وجود نامحدودی که به کمالی نامحدود متصف است. آن‌چه در خلسه‌ی الهی متمثل خواهد شد، نمایشی از صفات کمال خداوند است؛ تمثلی به‌غایت زیبا، ممتد و منسجم در گستره‌ای نامتناهی. به همین دلیل، عارفان گویند: عالم، نمایش و تجلی صفات الهی است. قرآن کریم نیز آفریده‌ها را ریزش کمالات خداوند «إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدْرِ مَعْلُومٍ» (حجر/۲۱) و نشانه (آیه) وجودی او می‌داند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ مُلْكَهُ عَلَى مِثَالِ مُلْكُوتهِ، وَاسَّسَ مُلْكُوتهِ عَلَى مِثَالِ جَبْرُوتهِ لِيَسْتَلِدَّ بِمُلْكِهِ عَلَى مَلْكُوتهِ وَبِمَلْكُوتهِ عَلَى جَبْرُوتهِ».

بنابراین، هنگامی که خداوند به خویشتن توجه کند، چنین تمثلی رخ می‌دهد و خدا همواره چنین است. بر این پایه‌ی عالم، تمثلی ممتد، در خلسه‌ی پیوسته‌ی الهی است. آنچه گذشت بهترین تصویر برای «فاعل بالتجلی» است؛ اصطلاحی ژرف در حکمت متعالیه که کمتر مورد تدقیق و بررسی قرار گرفته است.

روح‌الله سوری